



۲۰۲۱ / ۱ / ۲۲

کاندید اکادمیسین سیستانی

پنجاه و سه نوع مالیات در یک سال در عهد مغولان

تهاجم اقوام مغول بر سرزمین های آسیای میانه و شرق میانه و نزدیک، بطور کلی در تمام شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و تولیدی تغییرات و اثرات مرگباری داشت. اکثریت اهالی شهرها، دهات و قلاع متصرفه که در برابر مهاجمین مقاومت می ورزیدند، قتل عام می شدند و یا به برده تبدیل می گشتند. اموال آنها در معرض چپاول قرار می گرفت. خانه های ساکنین محل و بناهای تاریخی ویران میگردید و شهرهای آباد از سکنه خالی می شدند. کسانی که به نحوی از انحاء زنده مانده بودند، دچار فقر و فلاکت شدند و در خطر دایمی می زیستند.

صنعت و تجارت و نیز زراعت در شرایط بسیار بدی قرار گرفت، اکثر اشراف محلی و ملاکان بزرگ و کوچک، املاک خود را از دست دادند و بعضی از آنها نابود شدند. برخی اسیر گردیده و یا روبه فرار و مهاجرت نهادند و عده ای که باقی مانده بودند، موقعیت سابق خود را از دست داده بودند و تحت شرایط توانفرسای قرار داشتند.

وضع مالیات در دوران مغول بسیار دشوار تر و پیچیده تر از سراسر قرون وسطی بود. اصولاً کشورهایی که لگد کوب سم ستوران چنگیزیان شده بودند، دیگر قادر نبودند مبالغی را برسم مالیات بپردازند. روستائیان بکلی بینوا و درمانده شده بودند و در حد نهائی فقر و تنگدستی قرار داشتند. اکثر دهقانان و کشاورزان مالیات عقب افتاده داشتند و به همین سبب دسته دسته از زادگاه خود فرار میکردند، چونکه در غیر این صورت ممکن بود در صف بردگان قرار گیرند. تاثیر مرگبار این روش خود کامگی و غارت و دزدی و بی بندوباری بیش از همه چیز موجب انحطاط بیشتر اقتصاد کشور های مفتوحه توسط چنگیزیان میگردید. در زمان شش ایلخان نخستین هلاکونی، وضع اقتصاد به نازل ترین حد انحطاط رسید و بخصوص طی سالهای (۶۷۹-۶۸۹ ق = ۱۲۸۰-۱۲۹۰ م) بر اثر سیاست مالیاتی نخستین ایلخانان و بهره کشی غیر محدود و خامت اوضاع اقتصادی به انتها درجه رسید.

صحرائوردان مغول، بعد از تصرف اراضی وسیع و برقراری تسلط خود، املاک متصرفه ملاکین و اشراف محلی را بین خود تقسیم کردند. این سیاست حتی در دوران ایلخانان اول: هلاکو (۶۴۸-۶۵۵ هق = ۱۲۵۸-۱۲۶۵ م) و اباق (۶۶۵-۶۷۲ هق = ۱۲۶۵-۱۲۸۲ م) شدت بیشتر یافت. قسمت اعظم اراضی متصرفه، از جمله اراضی موقوفه جزو اراضی دیوان یعنی دولتی و املاک خاندان شاهی مغول تحت عنوان «اینجو» در آورده شدند. سرکردگان مغول، شاهزادگان، خاتونها، نوینها، و امراء از هر طراز، از امیرتومان و هزاره و صده و دهه گرفته تا صاحبان اقطاع و سیورغال بر طبق سلسله مراتب خان خانی (فیودالی)، بسرکردگی ایلخان و کوچ نشینان ذینفوذ که به امور گله داری رابطه نزدیک داشتند، ضمناً املاک بزرگ اراضی شخصی، مراتع و شکارگاه ها را نیز تصاحب نمودند.

وصول و اخذ مالیات از اراضی دیوان (دولتی) و اینجو (اراضی سلطنتی و خانواده شان)، که در تمام ولایات بحد و فور وجود داشت. اصولاً بطریق «مقاطعه» انجام میگرفت. مقاطعه کاران اساساً ساکنین محل بودند که طبقه جدید ملاک و اشراف را تشکیل میدادند. این مقاطعه کاران که مطمئن نبودند

در آینده نیز مجدداً از زمین های اجاره ای مالیات اخذ خواهند کرد (غالباً در عهد قبل از غازان خان مقاطعه برای یک سال اعتبار داشت) لذا هنگام وصول مالیات دست به هرگونه تعدی میزدند و چهار برابر اصل مقاطعه را از اهالی دریافت میکردند و هرگز بر اعمال غیر مشروع شان نظارت صورت نمیگرفت. (۱)

صاحب مناصبان عالیرتبه میکوشیدند که میزان حق المقاطعه بیشتر گردد تا رشوه های کلان دریافت بدارند. با در نظر گرفتن نفع شخصی و راه آسان ثروتمند شدن به حساب اهالی زحمتکش و خزانه دولت، بر عده مقاطعه کاران مدام افزوده میگشت و در نتیجه هم میزان حق المقاطعه و هم میزان رشوه ها زیاد تر میشد. بگفته ابن هندوشاه نجوانی، «خرابی و انهدام بیش از ابادی بود.» (۲) در دوره قبل از غازان خان (۶۱۷-۶۹۵ هـ ق = ۱۲۲۰-۱۲۹۵ م) خودکامگی کامل و غیر محدود در وضع و وصول مالیاتها، بمراتب بیشتر از دوره سلجوقی و عهد بعد از غازان خان بود. اخذ مالیات و خراج توسط عمال چنگیزیان به نحوه و شیوه نئی صورت میگرفت که وصول آن از رعایای مطیع، ماهیتاً با غارت آشکار و جمع آوری غنایم از کشور دشمن تفاوتی نداشت. (۳)

در اوایل دوران پس از غلبه مغول، هیچگونه قاعده و قانونی در زمینه وصول مالیات وجود نداشت. هر قدر که میخواستند و هر چه میخواستند، میگرفتند. (۴) جوینی در وقایع سال ۶۴۱ هجری مینویسد: «و کار خراسان در طبطاب و اطراب بود و نوایر فتنه ها و تشویشها در التهاب و اگر چه از مرور لشکرها پامال بود، اما اهالی آن مستاصل کلی نگشته بودند. سبب آنکه ناحیتی یا دیهی که ایل شدی به مجرد اندک علوفه و ده گز کرباس یا غایت صدگز به نسبت هر موضعی راضی گشتندی و دست تعرض کشیده کردند و دیهی را که بحرب و قتال بکشادندی، ظاهر آنچه یافتندی از چهار پایان واقشمه ببردندی.» (۵) در بسیاری موارد همان عاملان پیشین محلی و مقاطعه کاران مالیاتی و یا ملاکانی بودند که بخدمت فاتحان مغولی درآمده میکوشیدند حسن خدمت ابراز دارند. سیفی هروی درباره شرف الدین بیتکچی (مامور مالی) چنین مینویسد: «در غور، دست تعدی و زور بر آورد و به قلاتان (بیگار و کارهای شاقه) و قسمتات و عوارضات و تجبر و تحکم دیوانی رجال جبال غور را از منازل اوطان، جلاء وطن فرمود...» (۶)

بگفته جوینی، «شرف الدین بیتکچی نخست هر چه توانست بر رسم مالیات از مردم تبریز گرفت و سپس وارد قزوین شد (ماه رمضان ۶۴۲ ق) و ظلم و شکنجه و تعدی را بر کبیر و صغیر بحدی رسانید که «آه دود آحاد خلفان به آسمان میرسید.» (۷)

روش ظالمانه اخذ مالیات :

بقول خواجه رشیدالدین فضل الله، در دوران قبل از غازان خان، برای وصول مالیات و عوارض گونه گون، هر ولایت را به حاکمی به مقاطعه میدادند و «آن حاکم در سالی دو قبچور (مالیه مواشی و سرانه) و در بعضی مواقع بیست و سی قبچور را از رعیت بستندی... و به هر وقتکه ایلچی جهت مهمی یا مطالبه مالی و مایحتاجی بولایت آمدی بدان بهانه حاکم قبچور قسمت کردی و هر چند ایلچیان بسیار میرسیدند و اخراجات و ملتسمات ایشان بی اندازه می بود، حاکم بوصول ایشان شادشدی و نوبتی با اسم وجه مهمات و نوبتی با اسم علوفه و اخراجات و نوبتی با اسم تعهد و ملتسمات قسمت میکردی و بعضی در آن مصالح مصروف داشتی و بعضی خویشان بردی و بعضی بشحنه و بیتکچیان داده تا همدستان و گواه دروغ اوشوند و از چندان مال که از رعیت میستندند، بخزانه نفرستادندی.» (۸) نه تنها حاکم مقاطعه کار و بیتکچیان به عناوین گونه گون مردم را میدوشیدند، بلکه ایلچیان نیز به بهانه های رنگارنگ روستاها و اهل شهرها را غارت میکردند. بگفته رشیدالدین فضل الله: «هر سال

به بهانه ایلچیان چندین هزار زیلو و جامه خواب و غزغان و آوانی و آلات مردم می بردند و چهارپای درباغات مردم میکردند و باغی که بزیادت از ده سال بصد هزار زحمت معمور گردانیده بودند بیک روز خراب میکردند و اگر اتفاقاً در آن باغ کهریزی بودی و چهارپایان درافتادی، خداوند باغ رامیگرفتند و باضعاف بها ازوی میستندند....» (۹) همچنان در سنه ۶۹۱ هجری، یکی از ملاکان به دهی بزرگ که فیروزآباد نام داشت رفت تا چیزی از املاک خود در آن ده بدست آورد، ولی «هرچند سعی نمود در سه شبانه روز هیچ آفریده از کدخدایان را بدست نتوانست آورد و هفده محصل صاحب برات و حوالت میان دیه نشسته بودند و دشت بانی و دو رعیت را از صحرا گرفته بودند و به دیه آورده و به ریسمان درآویخته میزدند تا دیگران رابدست آورند و ماکولی جهت ایشان حاصل کنند و قطعاً میسر نشد و مجموع آن محصلان و اتباع راعلوفه و علفه و شراب و شاهد بایستی و از این معانی قیاس توان کرد که دیگر انواع ظلم چگونه بوده باشد.» (۱۰)

«بواسطه سوء تدبیرات و اتلافات، اکثر رعایای ولایت جلای وطن کردند و در ولایت های غریب، خان و مان ساختند. و شهرها و دیه ها خالی ماند و به هرچندگاه ایلچی جهت جمع کردن غایبان برفتی ایشان را بسیار زحمات رسانیدی و اضعاف قبچور به تعهد از ایشان بستدی و هرگز میل نکردندی که به ولایت خویش روند و از آن ملک عظیم متنفر گشته بودند و با وجود چندان ایلچی که در اوقات مختلف جهت جمع غایبان به اطراف رفتند، هرگز رعیت را با مقام خود نتوانستند برد و آنچه در شهرها مانده بودند، اکثر درخانه ها به سنگ برآورده بودند یا تنگ باز کرده و از بام خانه ها آمد و شد کردند و از بیم محصلان گریخته و چون محصلان به محلات رفتندی، حرام زاده ای را بادید کردند که واقف خانه ها بودی و به ولایت او مردم را از گوشه ها و زیرزمینها و باغات و خرابه ها کشیدندی و اگر مردان را بادست نتوانستند کرد، زنان ایشان بگرفتندی و همچون گله گوسفند در پیش انداخته از محله ای به محله بی پیش محصلان بردندی و ایشان را بیای از ریسمان آویخته میزدندی و فریاد و فغان زنان به آسمان رسیدی و بسیار اتفاق افتاد و مشاهده کردیم که محصل بر بام رفته رعیتی رامی یافت و بر عقب وی می دوید تا او رابگیرد، رعیت از غایت عجز و بیچارگی چنان میگریخت که خود را از بام بزیر می انداخت و محصل بوی میرسید و دامنش میگرفت و بروی رحم آورده شفاعت میکرد و سوگند مینهاد که خود را از بام مینداز که هلاک شوی و چون اختیار از دست داده بود درمی افتاد و پایش می شکست. و از جمله این ولایت ها ولایت یزد چنان شده بود که اگر کسی در تمامت دیهای آنجا میگردید قطعاً آفریده ای را نمیدید که با وی سخن گوید و یا حال راه پیرسد و معدودی چند مانده بودند دیه بانی معین داشتند، چون از دور یکی بدیدی اعلام کردی جمله در کهریزها و میان ریگها پنهان شدند...» (۱۱)

سپس رشیدالدین فضل الله توضیح میکند که در دوران سلطنت غازان خان پس از تحمل رنج بسیار و صدور بخشنامه های مکرر بتدریج دست مامورین را از تجاوز به حقوق کشاورزان کوتاه کردند، بطوریکه «در این چند سال هرگز دانگی زر و یک تغار و خروار گاه و گوسفند و یک من شراب و مرغی به «زواید» و «نماری» و «بام» و «ساوری» و «ترغو» و «علفه و علوفه» و غیره به هیچ ولایت حوالت نرفته و نسته اند. و حق تعالی برکت اموال و حقوق دیوانی چنان داده که در هیچ عهدی و زمانی چندان از نقد و جامه که در سالی پادشاه اسلام خلد سلطانه صرف مینمایند و می بخشند دیگران در مدت پنج سال خرج نکرده اند...» (۱۲)

رشیدالدین در این مکتوب خود صرف چند نوع مالیات قبل از حکومت غازان خان را از قبیل «زواید» و «نماری» و «بام» و «ساوری» و «ترغو» و «علفه و علوفه» و غیره نام برده است،

در حالی که انواع مالیاتها عهد مغول به 53 نوع میرسیده است که اینجا بخاطر جلوگیری از تطویل کلام از توضیح و تعریف هریکی صرف نظر کردید. [۱۳]

بنابر دستورالکاتب و جامع التواریخ رشیدی و تاریخ و صاف، علاوه بر مالیات های فقهی مانند: زکوة، عشر، جزیه، و خراج، انواع مالیات های غیر فقهی و عوارض محلی بنام های: «تغار، تمغا، تابغور، ترغو، نماری، بلارغو، آلام، قبچور، قلان، شورپا، شلتاق، شناقص، شوسون، شیلان بها، ساوری، کرکیارق، آش، بهره، نزول، علفه و علوفه، جریمه، خانه شمار، باغ شمار، سرشمار، باج، پیشکش، سلامانه، توقعات، تفاوت و توفیر، زواید، اخراجات، تکلیفات، تخصیصات، توزیعات، قسماط، مرسوم، مال، مال و جهات، متوجهات دیوانی و سلطانی، حق الانتشاء، حق التعدیل، حق التقریر، حق التحصیل، حق البیمانچه، حق التولیه، رسم الحرز، رسم الوزراء، رسم الصدارة، رسم خزانه، رسوم شحنگی و داروغگی، تسعیر یا ارزیابی، تقدمه، بیگار» و غیره از رعایا با شکنجه و تعدی گرفته میشد. (۱۴)

سیفی هروی از چشم دید خود میگوید که در سال ۷۱۶ هجری «امیر یساول (از طرف ایلخان حاکم خراسان بود) به اسم آنکه شاهزاده یسور (یساور) راطوی خواهم کرد، مبلغ سیصد هزار دینار بر ولایت خراسان قسمت کرد و پنجاه هزار دینار بر خلق شهر هرات نوشت و عمال خود را گفت که میخواهم در یک هفته این سیصد هزار دینار را به خزینه معموره من رسانده باشید. در روز عید قربان از جمله نواب او یکی خضر و دوم فیروز با پنجاه سوار به هرات آمدند و هم از گرد راه خلق شهر را به زخم چوب و چماق مجروح گردانیدند و خلق را از مسجد جامع به تعدی کردن بسته بیرون آوردند و هر کس که میگرفتند صد دینار و دویست دینار بر او حواله میکردند و در سوق اطراف قرب دویست تن را به شکنجه خسته و بیچار گردانیدند. القصة روز دیگر هنگام زوال مبلغ پنجاه هزار دینار از اسکان هرات بستانند و بندگان خدای و عزوجل چه در شهر هرات و چه در کل بلاد خراسان زبان بدعای بد و نفرین امیر یساول بکشادند.» (۱۵)

خلاصه بزرگان مغول پس از فتح سرزمین های خلافت شرقی، در مرحله نخستین (۱۲۲۰-۱۲۹۵م) خویشتن را در اردوگاه نظامی می پنداشتند که در سرزمین تسخیر شده ای قرار داشته باشند و میکوشیدند ساکنان سربه فرمان نهاده آن سامان را بالکل غارت کرده از هستی ساقط نمایند. چنانکه این روش را در نواحی مقاوم و سرکش نیز اعمال میکردند. طرفداران این سیاست به هیچ وجه در اندیشه تفاوت میان فرمانبردار و نافرمان نبودند و بنابرین اخذ مالیات و خراج توسط عمال چنگیزی به نحوه ای صورت میگرفت که با غارت بی چون و چرای سرزمین های دشمن تفاوتی نداشت، از هر چیز هر قدر که میخواستند، میگرفتند.

مآخذ این مقاله :

- [۱]- جامع التواریخ رشیدی، ج ۲، بخش ۲، و تحریر تاریخ و صاف و تاریخ گزیده، تاریخ جهانگشای جوینی و غیره مآخذ این دوره.
- [۲]- محمد ابن هندوشاه نجوانی، دستورالکاتب، ج ۱، بخش ۲، ص ۳۱۶
- [۳]- پطروشفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ج ۲ ص ۶۶۰ ببعد
- [۴]- عنایت الله شاهپوریان، ۲۵ سده مالیات، ص ۸۴
- [۵]- جوینی، تاریخ جهانگشا، ج ۲، ص ۲۶۹
- [۶]- سیفی، تاریخنامه هرات، چاپ صدیقی، ص ۱۷۴
- [۷]- جوینی، همان، ص ۲۷۵-۲۷۶
- [۸]- جامع التواریخ رشیدی، ج ۲، ص ۱۰۲۴

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ

- [۹]-همان، ص ۱۰۲۹
- [۱۰]-همان، ج ۲، ص ۱۰۳۰
- [۱۱]-همان، ج ۲، ص ۱۰۲۸-۱۰۲۹
- [۱۲]-همانجا، ص ۱۰۳۳
- [۱۳]- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب « مالکیت ارضی و شیوه های بهره برداری از زمین در خراسان قرون وسطی»، چاپ کابل، فصل سیزدهم [تالیف سیستانی]
- [۱۴]- دستورالکاتب، ج ۲، فهرست اعلام
- [۱۵]- سیفی، تاریخنامه هرات، ص ۶۴۹، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، بخش یکم، ص ۴۶۹

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ